

مقاله‌ی کوتاه

مجله‌ی شعرپژوهی (بوستان ادب) دانشگاه شیراز، مقاله‌ی کوتاه

سال پانزدهم، شماره‌ی دوم، تابستان ۱۴۰۲، پیاپی ۵۶، صص ۱۶۹-۱۷۴

DOI: 10.22099/JBA.2023.45204.4329

«این عروس» یا «ابن عرس»؟ تصحیح بیتی از دیوان خاقانی

حمید آفاجانی

چکیده

در شعر خاقانی به سبب وفور واژه‌ها و ترکیبات و اطلاعات گوناگون، گشتگی‌ها و خوانش‌های اشتباه بسیاری رخ داده که برخی از این تصحیف‌ها همچنان تا به امروز از نظر شارحان و مصححان دیوان خاقانی پنهان مانده است. یکی از همین تصحیفات جالب‌توجه در بیت «چنانک این عروس از درم خرم است / به زر بود خرم‌روان عنصری» رخ داده که نگارنده در این جستار، پیشنهاد تصحیح قیاسی مصرع نخست را به صورت «چنانک ابن عرس از درم خرم است» مطرح کرده است. «ابن عرس» واژه‌ای است به معنی راسو و چنان‌که در این مقاله نشان داده شده از حیواناتی است که بنا بر اطلاعاتی که از برخی کتاب‌های حیوان‌شناسی به زبان عربی به دست آمده است، علاقه‌ی بسیاری به جواهرات به‌ویژه پول‌های دینار و درهم داشته و از جمع‌آوری آن‌ها لذتی می‌یافته است. در این تحقیق به‌اجمال این تصحیف در دیوان خاقانی بررسی و تحلیل شده است. واژه‌های کلیدی: ابن عرس، تصحیف، خاقانی، این عروس.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری hamid.aghajani@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۸/۳۰

۱. مقدمه

در تصحیح انتقادی قاعده‌ی «ضبط دشوارتر برتر است»، مهم‌ترین اصل است. «هیچ‌گاه کاتبی یک ضبط ساده و و مأنوس و نو را به یک ضبط دشوار و پیچیده و نامأنوس و کهن برنمی‌گرداند؛ بلکه به‌عکس آن کار می‌کند» (خالقی مطلق، ۱۳۹۰: ۲۸۶). این قانون منطقی در تصحیح متون کهن که به‌سبب تحول زبان فارسی واژه‌ها و ترکیبات دشوار این دست متون، به تدریج از سوی کاتبان بعدی دستنویس‌ها جای خود را به واژگان و ترکیبات ساده داده است، بسیار راهگشاست؛ البته همین اصل گه‌گاه با در نظر داشتن مضامین و ترکیبات همسان و مشابه در سایر آثار، در تصحیح قیاسی نیز می‌تواند کمک شایان کند. دستنویس‌های دیوان خاقانی از جمله آثاری است که به‌سبب وجود واژگان و اصطلاحات بسیار گسترده و نیز بازتاب علوم مختلف و حتی باورهای افسانه‌ای و خرافی عصر خاقانی در آن، دستخوش گشتگی‌های بزرگ و کوچک فراوان شده است؛ به همین دلیل است که در تصحیح‌های عبدالرسولی و سجادی و کزازی، گاه مصححان به اجبار ضبط همه‌ی نسخه‌ها را رها کرده و به تصحیح قیاسی روی آورده‌اند. افزون‌براین‌ها امروزه مقاله‌های متعددی در نشریات مختلف می‌توان مشاهده کرد که نویسندگان آن کوشیده‌اند قیاسی بیت‌هایی از دیوان خاقانی را تصحیح کنند که در این مقاله نیز چون ضبط همه‌ی نسخه‌های موجود دیوان در تصحیح بیت مورد بحث نمی‌تواند کمک چندان بکند، بنا به روش تصحیح قیاسی و همچنین با یافتن مضمون بیت خاقانی در برخی منابع کهن عربی، تصحیف موجود در بیت مذکور تصحیح شده و تا حدود بسیار زیادی بر انسجام و زیبایی آن افزوده شده است.

۲. بیان مسئله

در دیوان خاقانی قطعه‌ای مشهور، «در جواب مردی که سروده‌ی عنصری را بر او ترجیح داده بود» با ردیف عنصری وجود دارد که در درستی ضبط بیتی از این قطعه «چنانک این عروس...» جای تردید بسیار وجود دارد:

مقاله‌ی کوتاه: «ابن عروس» یا «ابن عرس»؟ تصحیح بی‌تی از دیوان خاقانی / حمید آقاجانی — ۱۷۱

ادیب و دبیر و مفسر نبود نه سحبان یعرب‌زبان عنصری
چنانک این عروس از درم خرّم است به زر بود خرّم‌روان عنصری
دهم مال و پس شاد باشم کنون ستد زرّ و شد شادمان عنصری
(خاقانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۲۴۹)

در تصحیح سجادی نیز ضبط بیت‌های دوم و سوم مطابق تصحیح کزازی است و فقط بیت نخست چنین آورده شده است:

ادیب و دبیر و مفسر نبود نه سحبان بعرف زبان عنصری
(همان، ۱۳۷۸: ۹۲۷)

تصحیح علی عبدالرسولی نیز منطبق است با ضبط بیت‌ها در تصحیح کزازی. (همان، ۱۳۱۶: ۶۸۱).

چون این شعر مشهور در قالب قطعه است، چندان مورد توجه شارحان قرار نگرفته و کزازی نیز در گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی این بیت را شرح نکرده است. دشواری اصلی در مصرع نخست و در «ابن عروس» نهفته است. کدام عروس؟ مرجع صفت اشاره‌ی «این» به چه بازمی‌گردد؟ و آیا تشبیه کردن عنصری به عروسی که از نثار درم خرّم است، تعریضی است بزرگ به وی؟

۳. بحث و بررسی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، به نظر نگارنده به احتمال قوی صورت اصیل و درست بیت مورد بحث به صورت زیر بوده است.

چنانک ابن عرس از درم خرّم است به زر بود خرّم‌روان عنصری
در لغتنامه‌ی دهخدا در تعریف ابن عرس چنین آمده است: «جانوری برّی شبیه به موش، سر و پاهای آن بزرگ‌تر و درازتر از آن، موی دُمش افشان و در مصر به خانه‌ها

الفت گیرد و بدان‌جا به عرسه معروف است. و گویند چون طعامی زهرگین بیند، موی بر اندام راست کند و فریاد برآورد راسو» (دهخدا و همکاران، ۱۳۷۷: ذیل ابن عرس). قابل‌ذکر است که واژه‌ی ابن عرس در بیتی، سوگندنامه‌ی خاقانی شده است:

به ابن عرس که دم لابه‌ها کند چو کلاب

(خاقانی، ۱۳۷۸: ۵۵)

ابن عرس در نسخه‌های «لندن» و «انصاری» به «ابن عروس» تصحیف شده است (همان: حاشیه‌ی ۱۶) که همین نکته نیز تأیید دیگری بر درستی ضبط پیشنهادی در این نوشتار است.

در باب بیت پیشین در سوگندنامه‌ی خاقانی اندک توضیحی ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به انسجام منطقی مصراع دوم که راسو چون سگ دم‌لا به می‌کند، ابن صبح (گرگ) نیز چون نجوم [؟] سرپنجه می‌کند! در لغتنامه‌ی دهخدا ذیل «سرپنجه» شواهد غالباً مرتبط با شیر و شاهین است. به احتمال قوی «نجوم» در مصراع نخست خوانشی خطاست از نام یک حیوان محتملاً قوی‌تر از گرگ، برای نمونه: «حتوم: شیر، اسد» (دهخدا و همکاران، ۱۳۷۷: ذیل حطوم). البته ضبط‌های دیگری نیز می‌تواند محتمل باشد؛ برای نمونه: «نمور: جمع نمر. پلنگ» (همان: نمور) که در بیتی از مسعود سعد به کلاب عطف شده است:

میزبانان من سیوف و رماح
میهمانان من کلاب و نمور
(مسعود سعد، ۱۳۹۱: ۴۲۹)

در باب بیت مورد بحث باید افزود، بر اساس جست‌وجوهای نگارنده «خرم بودن ابن عرس از درهم» در منابع فارسی قدیم و جدید یافت نشد و تنها در برخی کتاب‌های کهن حیوان‌شناسی به زبان عربی است که می‌توان این نکته را باز یافت و گره از معمای موجود در بیت شگرف خاقانی بازگشود. در *الحيوان* جاحظ چنین نوشته شده است: «ابن عرس و هو صعب وحشی یحب الدرهم و یفرح بأخذها و یخبیها» (جاحظ، ۱۹۰۷، ج ۶-۷: ۶۳):

مقاله‌ی کوتاه: «ابن عروس» یا «ابن عرس»؟ تصحیح بیتی از دیوان خاقانی / حمید آقاجانی — ۱۷۳

راسو حیوانی است سرکش و رمنده (که) درهم دوست می‌دارد و به داشتن آن شادی می‌افزاید و آن را پنهان می‌کند.

«یسرق الدراهم و الدنانیر و الحلی و یفرح به و یظهره و یغیبه فی الجهر و ینظر الیه و ینقلب علیه» (همان): درهم و دینار و جواهرات می‌دزدد و به داشتن آن شاد می‌شود و آن را آشکار می‌کند و از ملاً مخفی می‌دارد و بدان می‌نگرد و بر آن می‌غلند. این اطلاعات ارزشمند که از *الحیوان* جاحظ به دست می‌آید، با بیت خاقانی انطباق زیادی دارد. «یفرح بأخذها» و «یفرح به» در بیت مذکور به صورت «خرم است» آورده شده است.

در *عجایب المخلوقات* قزوینی نیز می‌توان همین سخنان را درباره‌ی راسو بازیافت: «ابن عرس: حیوان طویل دقیق یقال له بالفارسیة راسو عدو الفار یدخل حجرها ویخرجها یحب المحلی و المجوهر یلعب بها» (قزوینی، بی تا: ۳۸۸): راسو حیوانی است کشیده و لاغر که به فارسی «راسوش» خوانند. دشمن موش است و درون لانه‌ی موش می‌رود و از آن بیرونش می‌کند. دوستدار زیورآلات است و با آنها بازی می‌کند.

در *المستطرف فی کل فن مستطرف*، نوشته‌ی ابوالفتح ابشیهی نیز همین عقیده در باب «ابن عرس» مطرح شده است: «ابن عرس: و مما یحکی عنه أنه یحب الذهب فیسرقه و یلد علیه» (ابشیهی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۱۴۶). و از آنچه درباره‌ی راسو حکایت کنند آن است که دوستدار طلا است؛ پس زر می‌دزد و روی آن بچه می‌نهد (زادوولد می‌کند).

در *حیات الحیوان* دمیری ذیل ابن عرس چنین آمده است: «از طبع اوست که آنچه از طلا و نقره یابد به مثل موش بدزدد... نقل است که شخصی بچه‌راسویی را گرفته در قفسی محبوس ساخته، مادرش به دندان برفت یک دینار سرخ بیاورد و بیرون سوراخ خود گذاشت. آن مرد او را رها نکرد تا پنج دینار بیاورد. رها نکرد این مرتبه کیسه‌ای که در او دینارها بود بیاورد و بینداخت» (دمیری، ۱۳۹۵: ذیل ابن عرس).

بنا بر شواهدی که در باب درهم و جواهر دوستی و شادی کردن راسو با آن آورده شد، بیت خاقانی از لحاظ معنایی استحکامی قوی می‌یابد و زیبایی آن نیز ده‌چندان می‌شود. همچنان‌که راسو با داشتن درهم و دینار خوشحالی می‌کند، عنصری نیز چون شاعری مدّاح بوده، پس از دریافت صله‌های طلا و زر شادان می‌شده است. عنصری در تشبیهی مضموم به راسو مانده شده است.

منابع

- ابشیهی، محمدبن احمد. (۱۴۱۶). *المستطرف فی کل فن مستطرف*. بیروت: عالم الکتب.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر. (۱۹۰۷). *الحيوان*. ج ۶-۷، تصحیح سیدمحمد بدرالدین النعسانی الحلبي. مصر: مطبعه السعاده.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل. (۱۳۱۶). *دیوان*. به تصحیح و تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی، تهران: سعادت.
- _____ (۱۳۷۵). *دیوان*. ج ۲، به تصحیح میرجلال‌الدین کزازی، تهران: مرکز.
- _____ (۱۳۷۸). *دیوان*. به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوآر.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۰). *شاهنامه از دستنویس تا متن*. تهران: میراث مکتوب.
- دمیری، محمدبن موسی. (۱۳۹۵). *حیات الحيوان*. ترجمه‌ی محمدتقی بن محمد تبریزی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی‌اکبر و همکاران. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- قزوینی، زکریابن محمد. (بی‌تا). *عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات*. بیروت: (بی‌نا).
- مسعود سعدسلیمان. (۱۳۹۱). *دیوان*. به تصحیح محمد مهیار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.